

روی آغاز نهادند .

استناد های خط دوم که شکاری هارا تعقیب میکردند به نظام فاصله دار
پراکنده باز بخطوه های جهیدن میدویدند . شکاریها هیچ آتش نمیگرددند .
ولی برای دم راست کردن توقف میکردند و چون بمحل معینی که لازم بود
رسیدند دفتة همه غبرک غند بیک جبهه فراخ و عمیق صنف شکاری درآمده
بر تپه (قامیل) خود را انداختند . و بساعت شام آنجا را بدست ضعیف
استیلای خود در آوردند .

از طرف روسها اگر چه بار بار عودت های نعر ضربه بوقوع آمد ولی هیچ
یک نتیجه حاصل نشد ، و تپه مذکور قطعاً بدست ژاپنها ماند .

(صرفیات جبهه خانه)

مخاربه میدان (شاحو) بماتشان میدهد که مخاربه های عصر حاضر در
خصوص صرفیات جبهه خانه تا چه درجه یک جمع مدهشی بعمل می آورد .
مثلاً در روزهای (۱۲ و ۱۳) اوکتوبر سنهالوی غند (۳۵) طوپچی روس
که عبارت از (۳۶) قطعه طوپ بود در هر روز (۳۷۰۰) کله انداخت کرده بودند
که جمع هر دو روز (۷۴۰۰) مرمی یعنی کله میشود .
در روز (۱۴) ماه مذکور بسپی که پیاده روس از طرف دشمن به بدصو
رت در زیر تضییق گرفته شده بود از اتر و برای رهایی دادن آن تنهادیم
(۱۲۹۹۷) کله طوپچی مذکور انداخت نمود .
بوقت صبح روز دیگر در غندلوی غند مذکور بی جبهه خانه ماندند . در همین
همین روز جمع آمدن قوای مهمه ژاپنها در آن جوار دیده شد ، و بر سپرهای
روس آتش شدت ناکی کشادند که باز برای مقابله آنها ، و رهایی دادن سپرها را

از ان حال، در تصرف (۴۵) دقیقہ همین طویچی بر منطقہ ہائیکہ عسکر ژاپان
 ، وان جمع می آمدند بقدر (۸۰۰۰) مسری، و در تمام همان روز (۹۶۵۲) مسری
 صرف کردند کہ بہ این حساب گوید در ظرف سہ روز تنہا طوپ خانہ روس
 (۳۰۰۴۹) گاہ طوپ انداخت کردہ ، و چون صرفیات طرف مقابل را نیز
 تقریباً بہمین مقدار بران بیفزائیم عدد صرفیات جیبہ خانہ طویچی بہ (۶۰۰۹۶)
 مسری بالغ میشود .





۴ پروتزارت فون شلمندورف ۵

— ﴿ درباب مانچوری و تول غندهای مانچوری ﴾ —

۵ کرنیل (شلمندورف) که از طرف دولت المانیا (آتشه ملیتر) و برفاقت جناب پرنس (هوهنزولرن) مأمور بود بعد از محاربه (شاحو) مارشال (اوپاما) را ملاقات کرده ، و مشاهدات خود را از قرار ذیل بیان کرده است ۵

۵ برای ملاقات ، روز (۲۱) اوکتوبر را مباره شال (اوپاما) مقرر کرده بود . باواتغون صنف سوم دالان دارشمندفریه (به نتای) واصل شدیم . در استاسیون جنرال بارون (قوداما) که رئیس ارکان حرب تول غند ژاپا نسبت بابسیناری از افسران معیت او پرنس را استقبال نمود . و براسپانی که آورده بودند سوار کرده به قریه (به نتای) که یک کیلو متره دور تر بود ایصال کردند .

۵ مارشال تابه محاربه (شاحو) اقامتگاه سابق جنرال (قورویا تکین) را که در (لیاثویانغ) بود قرار گاه اتخاذ کرده بعد از محاربه مذکوره در (به نتای) بخانه یک دهقان چینی نقل مکان کرده بود . اینست که درینجا پرنس را بکمال خصیمیت قبول نمود . و از آمدنش به نزد تول غند ژاپان و شرفی که به

این تول غند بخشیده بیان محظوظیت فرمود .

« در مابین مار شاک (اوایاما) که آدم بلند بالای قوی البنیة بود ، و سر و رویش به اهالی المانیای جنوبی مشابهت میرسانید ؛ و رئیس ارکان حربیه او جنرال (قوداما) که آدم قد کوتاه نازک اندامی بود ، و سرش بسریک جنرال فرانسوی مشابهت میرسانید آنقدر یک فرق و ضدیتی مشاهد می شد که تصویر آن ممکن نیست . خواص و او صاف معنویه این دو آدم به اشکال خارجیه شان تماماً موافقت . زیرا (اوایاما) باو جو دیکه در طبیعت خیلی فعال و قوه تشبیهی فوق العاده را مالکست ، ولی چون بظاهر حالش نظر میشود چنان گمان میشود که خیلی ساکن ، و سکوتش بهیچصورت و بهیچ چیزی خلل پذیر نمیشود . حال آنکه (قوداما) چنانچه طبیعاً جوال و فعال یک آدمیست ، همچنان در ظاهر حال نیز مالک تیزی و شطارت است ، و در محاکات و مطالعاتی که بیک سرعت برقیه بیدان می نهد دائماً صاحب اصابت و رزانت رأی بودن خود را نشان میدهد . باو جو دیکه طبیعت این دو افسر باهمدیگر خیلی مختلف است ، ولی از ابتدای سفر باهمدیگر خیلی خوش گذرانیده اند ، و همدیگر خود را بسیار دوست داشته اند ، و یکی نقصان دیگر خودشانرا اکتال و تلافی کرده اند .

« اقامتگاههای جنرالها مانند نشیمنگاههای دیگر افسران زیر دست شان خیلی ساده و از تکلف آزاده بود . برای نان خوردن ، و خوابیدن و کار کردن او تاقهای جدا جدا داشتند ، بلکه در یک اوتاق همه کارهای خودشانرا میکردند ، برای آنکه هیچ فردی از افراد عسکر بیدان نتواند وسایل استراحت خود شانرا به آخر درجه تحدید و کم کرده بودند . بخاریهای آهنینی که از ژاپنیا برای شان فرستاده شده بود برای قر اولهای پیش

روفرستاده بودند . زیرا اولهای پیش نسبت به افسران فی که در میان خانه نشسته بودند بگرم شدن زیاده تر محتاج بودند . جمیع افسران ژاپنی از افراد زیر دست خودشان بیشتر راحت کردن نمیخواستند . مگر وقتی که افسران بیگانه در پیش شان مهمان می آمد یکقدری بیشتر مصارف میکردند .

« برای سلام و ملاقات پرنس ، قوماندان تول غنند چارم جنرال قونت (نوزو) نیز به نزد مارشال (اوایاما) آمده بود . اینهم کوتاه قدم و صاحب اطوار و اوضاع بزرگوارانه ، و خیلی شیرین کلام و محبوب یک آدمی بود . اما هزار افسوس که جنرالهای پیر ژاپن چون بهیچ یک از زبانهای اجنبی واقف نبودند محاوره ما بواسطه دیگر افسران جریان مینمود . و به اینصورت لذتی که از کلامه سرراست حاصل بشود قسماً غایب میشد .

« چند روز بعد از ملاقات ما با مارشال (اوایاما) رئیس ارکان حربیه بارون (قوداما) در (لیائویانغ) به نزد پرنس آمده وقایع را که از ابتدای حرب تابه محاربه (شاحو) جریان یافته بود به تفصیل حکایه نمود . و بعد از آن نیز در وقوع هر ملاقات در حق وقایع مذکور معلومات متممه اعطا میکرد . جنرال وقتی که این وقایع را حکایه میکرد ما را اجازه داده بود که از سببهای پلانهای ترتیب کرده او ، و از چه بودن مقصدهای او در بنیاب سوالها و استفسار هائیم که به اینسبب ازین مصاحبه ها زیاده ترا استفاده میکردیم . حق نشر و اشاعه این افکار و ملاحظات بالطبع به ارکان حربیه ژاپنیا عاید و راجع است که ما در باب نشر آن حق نداریم ، ولی با وجود آنهم هیچ نباشد تنها ازین یک فکر جنرال که از حسیات معنویه اوست خود داری نمیتوانیم . جنرال مشاور الیه در وقتیکه محاربه (شاحو) را نقل میکرد گفته بود که : « بمجردیکه خبر گرفتم که همه تول غنند روس بیکیاره کی بر تجاوز و تعرض اقدام ورزیده اند

منهم هاندم لازم بودن تعرض مقابل را حس، و بر حرکات تعرضیه قرار دادیم
زیر ادانستم که قوت عددی روسها بر قوت مافایقت لهندا برای امید موفقیت
بیشتر از دشمن حرکت کردن مالاظم و واجب مینمود . . .

« جنرال (قوداما) خیلی زیاده پیشلای سیگاره کشی بود در هر دفعه که
برای تفصیلات دادن به ژدپرنس میامدم بمبد از سیگاره های پرنس میگرفت .
و چون یکی را تمام میکرد دیگر را در میداد، و درین اثنا بالطفیه ها و مزاحهای
شیرین خود هر کس را بخنده میاورد، و هیچ کسی را از حاضرین تمبگذاشت
تا با او بیک لطیفه و مزاحی نکند، حتی با خود ماره شال نیز از لطیفه فارغ نمیانند .
از جمله میگفت که ماره شال در شبها منتظماً دو ازده ساعت میخوابد . اما او یاما
نیز چون بیان کرده رئیس ارکان حریره من نام خدا چارده ساعت میخوابد
از اثر و هر کس قهقهه های خود را بر او عطف نمود . . .

• موسی الیه کرنیل در یاب شهر (لیانویانغ) باینصورت تفصیلات میدهد :
« اصل شهر (لیانویانغ) یک و نیم کیلو متر مربع با چار دیوار محاط یک شهر زیست .
برای داخل شدن بشهر، اول از محله نوی که روسها ساخته اند گذشتن لازمست .
بناهای منظم این محله که بطرز ساخت اورویاست درینوقت از طرف ژاپانها برای
خسته خانه ها، و دفترها تخصیص شده است بعد از آن از پیش روی باغچه تیکه آنرا
(باغچه قورویا تکین) میگویند گذشته در نزد هیگل (باغود) میرسد، شکل این
هیگل عبارت از یک مخروط پنخته کاری نیست که از چه وقت ساخته شده باشد معلوم
نیست . اما چنان گمان میشود که از طرف یکی از حکمداران (کوریا) که بحرب
تابه اینجاها آمده باشد ساخته شده باشد . آثار انهدام از هر طرف این هیگل پدیدار
شده است . از هر بغل آن سنگها و پنخته کاری های آن غلطیده و بهزاران کبو
ترهای صحرایی در اینجاها آشیان ساخته اند . بعضی رسمها و نقشهای برآمده

که بر آن هست و ندانستیم که چیست هنوز خراب نشده .

« در دامنه (یاغود) دو هیکل (بودا) بوضعیت معلومه که دارد نشانده شده است . یکی از جسامت طبیعی بزرگتر و از برنج ریخته شده است . سردمان چینی در باب محافظه اینگونه آثار قدیمه هیچ اعتنائی ورزند . ژاپا نهادرین وقت اطراف این هیکل را سیم گرفته اند ، و برای محافظه آن از سنگهای بنای (یاغود) که غلطیده و افتاده بودند روی آن را ستر کرده اند .

« باغچه قورویا تکین بایک دیوار کلی محاط ، و در درون آن بقدر پنجاه شصت درخت نشانده شده ، و چند سر کپا و چند نهادر آن طرح یافته که از کاناها ها و کوچ های چوبی و چند چراغهای رنگین آن معلوم میشود که برای استراحت و تفریح افسران روس این باغچه بوجود آورده شده باشد . اما اساساً اگر اینجا بایک هزارستان چینی ها بوده باشد احتمال دارد . زیرا در بعضی اطراف آن صورت سنگ پشتهها که از سنگ تراشیده شده و بر سر آن لوح سنگهای بزرگ گذاشته شده بود دیده میشود . « ژاپا نهادر این باغچه را درین وقت برای بستن اسپهای خود اصطیل ساخته اند . چنانچه در (دالنی) دیده بودیم درینجا نیز بزرگترین بناهاییکه روسها ساخته اند همانا بایک تیا تر بزرگ بود . این بنای تیا تر و که بعضی اقسام آن بتائیر کله های ژاپان محترق شده بود درین وقت سر از نو از طرف ژاپا نهادر دست کاری شده برای اسلحه عسکری سلاحخانه اتخاذ شده است .

« هر نفر عسکری ژاپان بایک قطعی کوچکی در جیب خود داشتند که در میان آن گولی های (مالک میکروپ) موجود بود . بعد از آن هر نفر به بلع کردن یکدانه حب مجبور اند ، و این از برای آنست که جلو گیری امراض ساریه مانند (تیفو) و غیره را بکند .

« بر تاثیر این حب حکم کرده نمیتوانیم ، اما این بایک محققست که در تول غند

ژاپن یکمقام امراض ساریه ظهور نموده است ، در خصوص محافظه صحت عسا
کر ژاپن هر روز غسل کردن شان با آب گرم نیز دخل کلی دارد ، حتی در سرد
ماهای بسیار شدید نیز در حالتیکه سردی تحت الصفر به (۲۰) درجه میبود در
میدان بازوهای سنگینی چینی ها را با آب جوشان بر کرده تا بگودر میان آن
میدرآمدند ، و بعد از آن برآمده در حالیکه مانند سر جان و جود شان سوخ
شده میبود ، و از بدن شان نفت ها میبرآمد در هوای مانند بچ همچنان برهنه
تا به اقامتگاه خودشان میرفتند ، و در آنجا خود را خشک کرده البسه خود را
می پوشیدند .

« در (لیاو یانغ) اگر چه دکانهای بسیاری موجود است اما این دکانهای
بیک حالی که برای دفع احتیاجات یک اهالی فقیری کفایت بکنند میباشد . در
میان این اهالی جاهل که بظنون باطله معتقد هستند از هر چیز بیشتر اجزا خانه
ها خوب کار میگردند .

« شهر لیاو یانغ از خسارتهای مخاربه تا یکدرجه مصون و محفوظ مانده بود .
دکانداران بعد از رجعت روسها دکانهای خودشان را برای ژاپنها باز کرده بودند .
« اهالی قریه های تعمیر مسکنهای خودشان که در اثنای مخاربه خراب شده
بود مشغول بودند ، و این مسکنها بسبب بی تکلفی شان بزودی تعمیر میشد .
تا بوقت تمام شدن تعمیر مسکنهای شان اهالی در عیبهای سکونت گزین شده بو
دند ، در حوالی که تول غندها از آن یگذشت محصولات از دیگر وقتها بیشتر منفعت
پیدا میکرد ، و بدست اهالی زیاده تر پیسه میدرآمد ، چونکه تول غنند ، ذخیره
و حیوانات اهالی را بقیمتهای گزافی خریداری میکردند . علی الخصوص صرا
به داران خیلی منفعت بر میداشتند ، یک صرا به بازکش تا به سه چهار پوند اجرت
میگرفت ، روسها و ژاپنها به این یک خوب دانسته بودند که بر چینیان بزود

کار کردن نمیشود . زیرا چینیه‌ها بمجردیکه زور را میدیدند یا میگریختند و یا اینکه پنهان میشدند . لهذا مجبور بودند که کار خودشان را بخوش رضا و خوش بی‌ودل آسا بر آنها اجرا بکنند . من چنان گمان میبرم که این چینیه‌های حریص طباع ازین دل آسا ها و خوش معامله گیها وقوع اینگونه حربها در هر سال از دل و جان آرزو نمایند .

• در روزها گاهی پیاده ، و گاهی بر اسب و عرابه در اطراف شهر گردش و تفریح میکردیم ، و در شبها یکچند هفته پیش هم راپورهای مفصل رئیس ارکان حرب خطهای منزل ، قایمقام (آریتا) را میشنیدیم .

• موسی‌آلیه در راپورهای خود اکثر از ارتباط های تول غنجدیادنیاله ، و تکمیل شدن نوافصات بحث رانده ، و حرکت های پیش روی را بر اکیال آن مو قوف دانسته تفصیلات میداد .

• مشکلاتی که در باب تدارک و اکیال لوازم تول غنجدیده میشد ، و تفصیلاتی که درین خصوص از قایمقام (آریتا) میشنیدیم باینک فکر مختصری در خصوص فاصله های دور و دراز حرکات مختلفه تول غنجد های ژاپان که باعث حیرت و تعجب محافل عسکریه اوروپا شده بود میداد . الحقی که سوق و نقل ذخیره و ارزاق یکتول غنجد بزرگ که علی الدوام به آن محتاجست در (مانچوری) خیلی مشکلات بهم میرساند . زیرا در (مانچوری) بهترین موسمه‌های نقل و سوق لوازمات متنوعه نیکه تول غنجد همیشه به آن احتیاج دارد همانند زمستانست که صحرانها بجز به بند در دیگر موسمه‌ها را هم دریا های گلزار است که عرابه ها و طوپها بجز از مشکلات بران حرکت نمیتوانند . علی الخصوص در اراضی کهسار که راهها هم دران مفقود باشد مشکلات بیکی بر هزار میشود .

• ما ، و رهائیکه برای خدمات منزل در تول غنجد ژاپان مقرر بودند خیلی

جان کنی ها کرده اند ، و از هر گونه وسایط استفاده کرده اند ، و تدبیر های پیشماری در آن باب اندیشیده اند . در شهر های (لیائو) و (تایچه) بمسدها زور قه چینیان را به اجاره گرفته بکار انداخته اند ، و در خشک (۳۰۰۰) شتر ، و قاطر و یابو ، و بمسدها صرا به استعمال کرده اند .

« روز سوم نو بهر تول غنند ژاپان جشن ها و شادمانی های روز ولادت (یکاو) را اجرا کردند . افسران همه با هم یکجا طعام خوردند ، و وسطا وقتیکه (از لیائو یانغ) رجعت میگردند ، مقدار کلنی شیشه های (شاه پین) ترك کرده بودند . نوشیدن این شراب های فرانسوی بصحت امپراطور ژاپان نصیب ما گردید . در آن روز افراد را طعام های خوب و شیرینی ها ، و شراب های برنج دادند . بعد از پیشین جشنها و بازیها شروع نمود . تیازها ، و پهلوانیها ، و مسابقه ها ، و شمشیر بازیها ترتیب داده شد . در همه تول غنند يك سرور و شادی عمومی بر پا بود . اما باد بسیار تند و سرد برخاک کی که در آنوقت دروزیدن بود مسابقه ها را یکقدری بیدماغ میکرد . باوجود آنهم ژاپانها در مقابل تأثیرات شدید هوا نیه غیر متحسین بودند . مثلاً پهلوانهای کشتی کبر در پنجین سرمای شدید بجز يك بتلونی کوتاهی که برای ستر عورت در پا داشتند دیگر سراسر برهنه بودند . و در آئین کشتی گیری خیلی عرق میگردند ، و بعد از آنکه از کشتی فارغ میشدند ، تا بوقت رسیدن دیگر دور کشتی شان تنهائیک بالابوشی بر شانه انداخته خودشان را از خنک محافظه میکردند .

« در مسابقه ها کسانی که می بردند از طرف (حکمهای بیطرف) برای کافات شان به اعطای (پکه ها ، و لوحه های تصویر ، و کارت پوستالهای تصویر دار ، و قطعی های سیکاره و غیره) تلطیف و نوازش می یافتند . و کسانی که بای میدادند از طرف سیربینان به اوتسلی و دلا سایی داده میشد ، و بر بعضی خنده

بسیار بزرگی که هر طرف آن پوشیده شده بود داخل شدیم . مگر این جا محل باق
یگانه تیار بود .

بازیه شروع شده بود . از بازیها شبکه سیر بینان ژایانی خیلی خوش و محظوظ
میشدند و اظهار سرورها میکردند طبعاً ماهیچ نمیدانستیم . اما وقتیکه حقه
بازان بازی شروع کردند بقیه های ژایانها ما هم اشتراک کردیم و وقتیکه اینقسم
اولین بازیها ختام یافت در درون یک خیمه بسیار بزرگی برای طعام خوردن
دعوت شدیم . طعام پیشین بصورت بسیار واقری خورده شد .

دعوت های عسکری که بقیافت پیشخدمت باشیهای اوتلهای بزرگ آوردن و یا بودند
بیک مهارت و دقت و تراکت فوق العاده ایغای خدمت میکردند . در اثنای طعام
یک روزیکه عسکری مارشهای ملئی جمله ما اجنبیها را بکمال مهارت بدور
می نواختند .

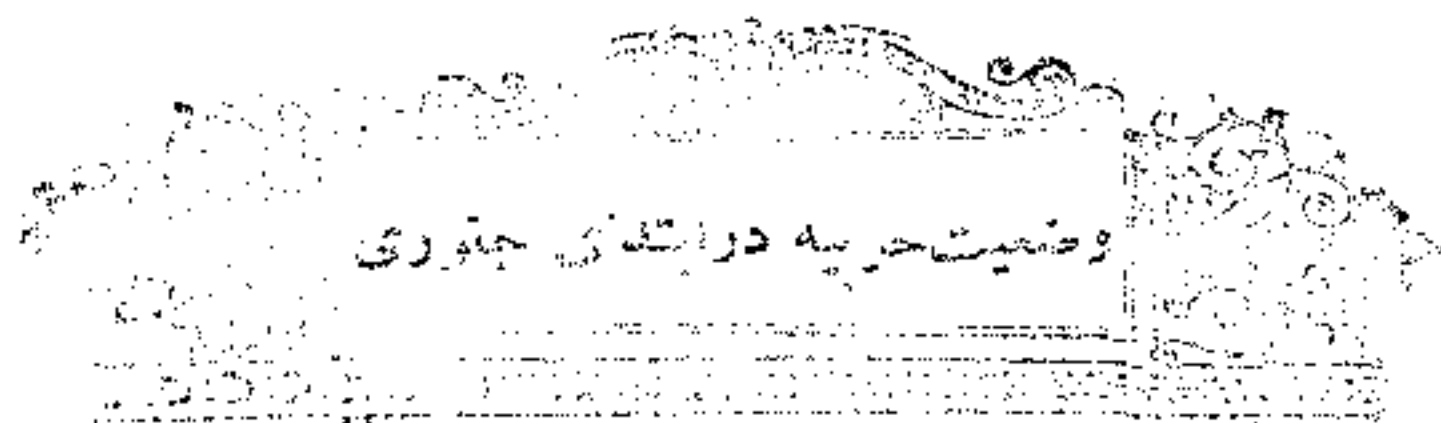
وقتیکه طعام تمام شد کشتی گیرها و پهلوانیها آغاز نهاد . هر پهلوان عنوان
های بزرگ بزرگی بر خود نهادند . و هر پهلوانی که بمیدان میرآمد بصدای
بلند عنوانی که برو گذاشته شده بود اعلان میشد .

اول پهلوانانیکه برآمد بعنوان جنرال (شتوسل) ، و جنرال (نوژی)
بودند . هر دو پهلوان بشدت با هم در آویختند . اما در نتیجہ (شتوسل) برد ،
(نوژی) بای داد . بعد از آن جنرال (قورو پاتکین) با (اویاما) در آویخت
بعد از آنکه یکچند بار با هم مساوی آمدند جنرال (قورو پاتکین) مغلوب شد .

(تفنگ ماشیندار) با طوپ (اوبوس) سنگین چاپ بمیدان برآمد . اما تفنگ
ماشیندار غالب آمد . باز عسکر طوپ چی (با عسکر استحکام) بهم بیاویخت عسکر
استحکام . عسکر طوپ چی را بر زمین آورد . درین اثنا جنرال (آیه هارا) که از
صنف استحکام بسر رسیده بود نفر مذکور را که عنوان عسکر استحکام را گرفته

بوده سیگاریت ها و شیر پزیها تا لطیف و نوازش کرده ، و مجنرال (اوزه قور) که
 رئیس ارکان حرب تول غند دوم بود ، و از مستف توپچی بسر رسیده بود درخ آورده
 ریختن خندها را لطیفه های مناسجه به عمل آورده ، و چون در وقت استهزا بنشی
 مجنرال (اوزه قور) را گدین گرفت همه حاضرین قوتی به رانندگی رسانیدند ،
 و چون در آن استاز پورا (تون) نیز سقوط کرده بود ، همه کس در یقین بر این
 فکر بود که فتح قلعه را مساعی موفقیته کارانه عساکر استهتکام سریع و تعجیل
 نموده است لهذا هر کس جنرال (اوبه هارا) را به این فخر و غرور حق میداد ،
 « بوقت شام که تاریکی میشد هر کس پشی کار خود رفته ، جشن ختام یافت
 ماعم با افسران تول غند دوم وداع کرده به (چای کپا او) عودت کردیم ، در آن
 روز در تول غند دوم و چهارم هیچ وقوعاتی نبود ، ژاپنها اینرا بر تراکت فوق
 العاده روسها حمل کردند .





بؤ اول سنه ۱۹۰۵

و محاربه سانه پو

در ابتدای سنه (۱۹۰۵) بر سر نهر (شاحو) وضعیت تول غنده می

طورتین باینصورت بود .

روسها

در پیش روی جناح راست ، و در مابین نهرهای (لیاعو) و (هون) یکشه
مفرزه مختلف روسها اجرای ترصد میکردند . در خط (ماتوران - طاشوا
نهر) چارونیم لوی غندقازاقهای جنرال (غره قوف) جناح راست تول غند
را در زیر امنیت داشته بودند . در عقب اینها جنرال (میچه نقر) باغبرک غند
سوارتی (قافقاس) و لوی غندقازاق ماورای (بایقال) موجود بود .

از تول غند (۲) مانچوری (قول تول غند (۵) سیبریا در زیر قومانده
جنرال (غریبترغ) خط مدافعه را که در مابین (طاشواتهو - شویالتر -
والیانتون) بود گرفته بود . و در عقب این قول تول غند (۱۰) ، و در جنوب
موکدهن (در سر پل نیز قول تول غند (۸) موجود بود .

قول تول غند مختلف (۱) ، قسماً در استاسیون (موکدهن) ، قسماً برای

بیرون بر آوردن حاضر بودند .

تول غند (۳) مانچوری ، با قول تول غند (۱۷) اورویا ، و قول تول غند (۶) سیبریا در زیر قومانده جنرال (قاتولبارس) موضع (شاحو) را مدافعه مینمود .

قول تول غند (۲ - ۳ - ۴) سیبریا در زیر قومانده جنرال (لیتنویچ) محافظه کردن حیوانی شرق مکلف بود .

قول تول غند (۱) سیبریا در (پورتینا) احتیاط را تشکیل میداد .
 تیم لوی غند شکاری قول تول غند (۳) سیبریا با قول تول غند (زمه مقام) در اضی جبالیه برای محافظه ارتباط در (ماجیوندان) بود .
 قریب گاه عمومی تول غند در (چازاوتون) بود .

مجموعه قوت های روس در اطراف (موگدهن) جمع آمده بودند عبارت (۳۴۶۱) کسندک پیاده ، و (۱۶۹) طرب سواری ، و (۱۴۷) غندک طویله بود ، ضایعت - اسرا کمال شده بود . یعنی - عدد محاربین به (۳۰۰،۰۰۰) تفنگ و شمشیر ، و (۱۱۰۰) طوپ بالغ شده بود .

قول تول غند (۱۶) که بقوت (۲۸،۰۰۰) تفنگ ، و (۹۶) طوپ بود ، بتاریخ (۲۰) جنوری مواصلت میکرد .

— ژاپانها —

جناح چپ تول غند ژاپانرا مقرزه (آقیجیاما) که مرکب از (۲) کسندک ، و (۱۲) تون (و (۱) غندک طوپ بود محافظه میکرد . قسم کلئی این مقرزه که دو موقعهای (جوقوتای) و (ساندیو) ، و (لیدیانتون) بود ، موقعهای مذکور را بصورت قوتی کی تحکیم کرده بودند .

جناح چپ تول غند: الوی غندهای (۴ - ۶ - ۳) و قطعات احتیاط تول غند

(۲) جنرال (اوقو) تشکیل مینموده این تول غند خط (واند یازا) — این شیو — لاموتون — قود یازا) را مدافعه میگرد در جهت شرق این تول غند (۲) ، تول غند (۴) جنرال (نوزو) بود که بایک لوی غند احتیاط ، ولوی غند (۱۰) خط (قود یازا — چوان انزا) را تابه (سین لون بین) محافظه و مدافعه مینموده . تول غند نخستین ، ولوی غندهای (۲) ، ولوی غند (۱۲) . ولوی غند خاصه و قطعات احتیاط در خط (بیان یا پوزا) تمام بمقابل روسها افتاده بود . برای احتیاط عمومی ، ولوی غند (۵) که پیش ازین به تول غند (۴) منسوب بود ، در (شیلپرو) ، ولوی غند (۸) کثرت آورده بود در ریستای) که قرار گرفته عمومی اتخاذ شده است میبودند .

روسها قوت تازه شال (اویاما) را در نهایت دستبرد عبارت از (۱۷۸) کندک پیاده و (۶۱) طرب سواری ، و (۱۱۱) غند کتوب به مجموع همه عبارت از (۲۲۵،۰۰۰) نفر آدم جنگاور ، (۶۶۶) طوب صحراب شد تخمین میگردند . تول غند (۳) ژاپان که (پور آرتور) را فتح کرده ، و به اینسورون شده بودند به (۸۰،۰۰۰) نفر بالغ میشد .

در ابتدای جنوری جنرال (قورویاتکین) به تعرض قرار داده بوده زیرا جنرال میخواست که پیش از رسیدن تول غند (۳) بر ژاپنها هجوم ببرد . بمقابل خطوط و اصله دشمن علی الخصوص بر خط (لیانویانغ — داشیچاغو) از طرف قوت سوارئی خود یک تشبث بزرگی را تصور کرده بود که به این تشبث آمدن تول غند جنرال (نوژی) فاتح (پور آرتور) را باشکال می انداخت ، و هم مقدمه اجرائات تعرض متصوره او میشد .

حرکات سوارئی جنرال (میچہ نقو)

برای حرکات سواری بیکه اجرای آن متصور بود جنرال (میچہ نقو)

مأمور گردیده ، در (۸) جنوری در حوالی (سیفانتای) (۶۸) طرب سواری ،
و (۳) غندک طوب سواری ، ونیم غندک طوب صحراراجامع بود . بگانه و نظیفه
که بر جنرال (هیچمه نقو) تحمیل شده بود این بود که سخطهای شمندو فر (لیا
تویانغ — داشیچاعو) و (داشیچاعو — اینقو) را خراب کند تا نول غند
، خضر جنرال (توزی) از (پوز آرتور) آمده نتواند .

بنابرین جنرال مشارالیه سه قول سر راست بسوی (اینقو) بر رفتار آغاز نهاد
که این سه قول مرکب ازین قوتها بود :

قول راست جنرال (سامسونوف) (۱۶) طرب سواری ، و (۱) غندک
طوب سواری ، ونیم غندک طوب های صحرا .

قول وسط ، جنرال (اراموف) (۲۲) طرب سواری ، و (۶) طوب
در قول چپ ، جنرال (تله شوف) (۳۰) طرب سواری ، و (۴) قطعه بیاده اسب
سوار ، و (۶) طوب ، و (۴) تفنگ ماشیندار .

در عقب قول وسط ، (۹) تونی صحیه که بهیئت صحیه صلیب احمر منسوب
بود ، و (۱۵۰۰) حیوانات بارکش که به اوزاق و ما کولات بار شده بودند
پروی میکرد .

قبل ازین کشف کرده شده بود که در خارج خط (هون) قولهای کشف
ژاپن تا خط (سیفانتای — انشیا یون) پیش آمده اند .

و منحنه اراضی که در مابین نهر های (لیانو — وهون) واقعست در زیر استیلا
(۳۰۰۰) جمعیت های (طونقوز) میباشد .

در (۹) جنوری جوش (هیچمه نقو) از (سیفانتای) حرکت و بارفتار بغلکی بوقت
پیشین بوقوع (قالیاما) واصل گردید . در اینجا یکی از قولهای نهر (لیاعو) را از سر
سطح منجمد آن سرور کرده بجهت غرب نهر مذکور گذشت . دو قول دیگر
ساحل شرقی نهر مذکور را گرفت تا بر اثرنی (طاوان) آمده است .

مفرزه شب را در طایف و آن گذرانید . در هر دو طرف نهر مقدار واقری
 از ذاق ، و خورا که اسپها پیدا شده بود . بجز جماعت های قوت مند (طو نخوز) ها
 که در جنوبی (طاوان) بودند دیگر اثری از دشمن دیده نشد .
 در (۱۰) جنوری با فاصله های کوچک هر سه قول در ساحل (هون) سر
 راست بسوی (قالیهو) حرکت کردند . در (قالیهو) قول های سواری بعد از آنکه
 بخوبی دم راست کردند به آن طرف ساحل (هون) گذر کردند . در آنجا بیک
 قریه که از طرف نیم غرب سواری ژاپان ، و جماعت های کلتی (طو نخوز) ها مستو
 لی بود تصادف کردند . بعد از یک محاربه کوتاه تفنگ ، قطعات پیش قول وسط
 همچنان سواره جبراً بقریه مذکور در آمدن خواستند اما بضایعات کلی دو چار
 آمده واپس رانده شدند . درین وقت یک محاربه شدید قریه مانده ها ده آغاز نهاده
 دیگر قولها نیز به توقف مجبور شدند . این محاربه تا شبام دوام ورزید ، و چون پرده
 ظلمت شب بر جهان افکنده شد ژاپنها بکمال سهولت و بی آنکه از طرف روسها
 تعقیب شوند از قریه مذکور برآمده بقسم کلتی خود ملحق شدند .
 روسها امشب را در اردوگاه میدان باز خود در جنوب (قالیهو) بسر آور
 دند ، و از نتیجه تحقیقات شان چنان معلوم شد که (نیوچوانغ) بصورت خفیف
 و [اینقو] بصورت قوت مند تر از طرف ژاپنها در ژیر استیلا میباشد .
 در [۱۱] جنوری جنرال [میچو نقر] با تکمیل قوت خود از جوار [قالیغان] ،
 نهر (تایچه) را گذر کردند . به قافله سنگین باز مفرزه درین وقت یک قول همراه
 های مجروحین نیز التحاق کرده بود .
 مفرزه های سواری نیکی برای خراب کردن شمندو فر فرستاده شده
 بود بر تخریب پل شمندو فر که در (هایچوانغ) بود ، موفق نشده بودند . ولی در
 بعضی جاها راه آهن را خراب کرده توانسته بودند . اما این خسارات بیک

درجه بود که مسئله نقلیات را به سکنه نمی انداخت .
روز دیگر قوماندان قول تول غند سوارئی روس، ضبط و آتسخیر کردن
استاسیون (اینفو) را تصور کرده بود . اما چون خیلی ناوقت بر رفتار آغاز نهاده
بود بموقع [چپا نجیانی] که از استاسیون مذکور (۶) کیلومتر دورتر است بعد
از پیشین ساعت [۸] واصل شده بود . از جبا طو پچئی روس بر پیاده ژاپان که
موقع گرفته بودند آتش کشیدند . و به بعضی بناها حریق بوقوع آوردند .
ولی بمقابل آتش شدیدشکاریهای ژاپان پیش آمده نتوانستند ، و چون درینوقت
خبر حرکت یک فرزه ژاپانی از راه « هایچونغ » بر قطع کردن خط رجعت
قول تول غند سوارئی روس رسید . جنرال « میچه نقو » تهاکه را احس کرده ،
و از امکان کردن پلان خود صرف نظر نموده ساعت هفت ونیم بر جهت آغاز
تهاد . و از نیم بریده نشدن خط رجعت خود بر « نیو چوانغ » نیامده مجبور
گردید که پشراه دیگر را پیش گیرد . لهذا برین راه که صعب تر و زوئی راه
بود به بسیار بطاقت و دشواری در شام « ۱۳ » جنوری نهر « لیاعو » را از جواز
« دونهویان » سرور نموده در خط « ویهویان » ژان شادو » عبور ابر آورده .
قولئی که در شرق مانده بود به تضییق و فشار سخت قولهای کشف ژاپان
گرفتار آمده ، و تلفیات خوبی داده در شب به تبدیل دادن اقامت گاه خود
مجبور گردیده بود .

در روز « ۱۴ » جنوری قولهای غربی و وسطئی جنرال « میچه نقو »
تابه « شالینگ » بر رجعت خود بلامحاربه دوام ورزید . قول شرق که در شب
باز دوبار دیگر از طرف ژاپانها دوچار تلاش شده بود بوقت صبح از طرف طو
پچئی ژاپان بزیر آتش طوپ گرفته شده ، و از جهت ساحل « لیاعو » از طرف
قطعات پیاده ژاپان پشانیده شده بود . مع هذا از دیگری به « شالینگ » موصلت

شان میسر گردید .

در مفرزه عقب گیر ژاپان چون سواری بدرجه کفایت نبود از آرتاس
خود شان را با قول تول غنده میبچه قوه ضایب کرده این قول تول غنده بر حرکات
رجعت خود کامیاب آمدند .

در روز ۱۵ جنوری قول تول غنده به « یاجیشان » آمده روز دیگر نهر
« لیاء » را مسرور نموده است ، و در شمال « قالیاما » اردوگاه خود را تا بوقتیکه
اردویش لغو میشد ، و بحال اصلی خود بر میگشت در انجامانده است .

اینست که حرکات تعرضیه قول تول جنرال « میبچه قوه » به اینصورت رسیده
بد ختام گردید ضایعات این قول تول غنده در حرکات عبارت از « ۷ » افسر
« ۷۳ » نفر مقتول ، و « ۳۳ » افسر ، و « ۲۳۷ » نفر مجروح ، و « ۲۷ » نفر ، و
« ۱۴۴ » اسب اسیر میباشند .

— (مخاربه (سائده پو)) —

درین اثنا جنرال « قور و پاتکین » در باب صورت اجرای تعرض متصوری
که برین قرار داده شده است بیان کردن رأی و مطالعه خود شان را به قوماندانهای
تول غنده های خود جدا جدا تبلیغ نمود ، و در عین زمان نقلت مرکز قوای
عسکریه خود را یکسر به نقل دادن بسوی ضرب تشبث و درزید .
قوماندانهای تول غنده متفقاً هم درینوقت و هم در وقتیکه مجلس حرب منعقد
گردید رأی و مطالعه خود شان را چنین بیان کردند که جناح چپ اردوی « او قوه »
هدف اصلی تعرض ، و استادیون « به تنای » بصورت عمومی به هدف حرکات
انتخاب باید شود ، و از « ۱۲ » قول تول غندی که بدست موجود است (۷) تول
غند آن برای بسر آوردن این هجوم را بکمال موفقیت ، کافی و وافی شمرده میشود .
بناءً علیه جنرال (قور و پاتکین) بر جناح چپ ژاپانها را اجرای هجوم قرار

داده در ۱۹ جنوری اسر تعرض را عطا نمود . فقره شیکه شایان اهمیت ترین این اسر میباشد عبارت ازین فقره است :

« هدف نخستین تعرض ما ، و مقصدیکه ما ازین تعرض باید که همین مسئله باشد که تول غند ژاپن را به پشت نهر (تایچه) دفع نماییم ، و ناممکن باشد در باب دو چار انترام کردن شان صرفه اقدام ورزیم . و به اینصورت هجوم تعرضی را قبول نمیکنیم .

« هدف نخستین هجوم ، تول غند (اوقو) را تعیین کردم . بنا برین جناح چپ این تول غند (اوقو) احاطه میشود . قطعات تول غند (۱) و (۳) بر تول غند های (نوزو) و (قوروکی) هجوم میبرد . و دیگر اقسام تول غند (۲ و ۳) بر جناح چپ ژاپن بر احراز کامیابیه تابع میباشد .

این تعلیمات عمومی به نفعات بسیاری داشت که با ترتیبات و اوامر مفصلی اکمال شده بود . ترتیبات مذکوره را هر تول غند نظر به ترتیبات و حرکات تول غند مجاور جهت ضرب خود ، تنظیم و اتخاذ میکرد .

از جمله تدابیر متقابله که ژاپن اتخاذ کردند این بود که جنرال (اوقو) بنا بر امر مارو شال (اویاما) فرقه (۳) خود را که تا بحال در جناح راست بود برای تمهید دادن جبهه بسوی (یانداوان) جلب نمود . این لوی غند در صبح (۲۷) جنوری تماماً در موضع جدید خود اجتمع کرده بودند .

جنرال (ضریبه نبرغ) در (۲۵) جنوری بحرکات هجوم خود آغاز نهاده بود . قطعات (میچو نغو) ، و (قوزوغر فسکی) درها و کدر کاههای (ما، یاقای و چیتیاچی) را گرفتند . و قسم اعظام سوارانی (میچو نغو) با سه و نیم غند سر راست بسوی شرق روانه گردید . قول تول غند نخستین سیریا اول ، موقعهای (قوتایچی) ، و (حایلاتوزا) را اشغال کردند که محافظهای ضعیف آنجاها که از

طرف ژاپنها در اینجا بود یکسوی (هو قوتای) و (طویاره) عقب کشیدند. بعد این قول تول غند نهر (هون) را گذشتند. و برین دو قریه در نیم شب به هجوم برخواستند و بعد از جنگهای عنودانه قریه های مذکور را اشغال توانستند. قوه محافظه ژاپن که در (هو قاتای) بود، و عبارت از (ع) طرب سواری، و (۱) تولی پیاده بود از پیش روی قول تول غند نخستین روس به (قو چونچی) در کشیدند.

بمقابل خط (سانده پو — لیدیانسون) لوی غند (۱۵) پیاده، با قطعات قول تول غند (۱۰) به پیش سوق گردیده، و موقعهای (هو انی) و (چوشانتون) از طرف اقسام قول تول غند (۱۰) بدست آورده شده بود.

قراولهای پیش ژاپن بر (سانده پو) و (لیدیانسون) عقب کشیدند جنرال (غریبه نبرغ) غیرک غندهای (۲ — ۵) شکاری خود را بسوی (چانتان) سوق کرده بود. اما بر ضبط کردن موقع مذکور کاه یاب شده نتوانسته بودند.

این بار هجوم روسها بناگهائی شده بود، ماره شال (اویاما) بنا بر حوادث های که، فرزه های سوزنی کشف برایش فرستاده بود از احتیاط عمده ثنی خود لوی غند (۸) را سرداست به (هو قوتای) بحال پیش روی وضع کرد بود. و قوماندان این لوی غند جنرال (طازومی) را بقوماندانی جناحی که دو چارنملکه شده بود، امور گردانید.

این لوی غند (۸) در وقت شام روز (۲۵) از (په نای) روانه شده روز دیگر بوقت صبح با هر دو غیرک غند خود به (طاطای) و (صوماپو) آمده و هماندم بر قول تول غند نخستین سیبریا به تعرض اقدام ورزید.

قول تول غند روس امروز بوقت صبح وقت، یک غیرک غند خود را بفرقه (۱۴) پیاده داده، و در پیشگاه (هو قوتای) و (طویای) یک موضع گرفته بود

که هجومهای ژاپان را که بمقابل این موضع اجرا گردید، با ضایعات عظیمه عقیم مانده است .

دو غبرك غند لوی غند (۸) درین اثنا بفر اخی [۵] کیلومتره از همدیگر جدا شده بودند . غبرك غند جناح چپ از غبرك غند جناح راست سراسر جدا مانده بود . و از طرف غبرك غند سواری [میچه نقو] که دران اثنا بحوالثی [سیویو] آمده بود به تهدید افتاده بود .

اما جنرال [طازومی] خبر تقویه شدن خود را بایک لوی غند دیگر احتیاط گرفته خاطر جمعی حاصل کرده بود که این لوی غند در وقت شام روز [۲۶] از [شیلیو] بسوی [لاندونفو] بحال پیش روی وضع شده بود .

لوی غند [۱۴] پیاده بایک غبرك غند قول تول غندی نخستین سبیریا بوقت پیشین بر [سانده پو] هجوم آغاز نهاد . این [سانده پو] تنها بایک غند سواری ، و بایک چند تولی پیاده تفنگ ماشیندار و یک غندك طوپ ، مدافعه کرده میشد . باوجود آنهم این فرزه کو چک ژاپان بمقابل قول تول غند روس چنان مدافعه شدیدانه دلیرانه اجرا کرد که شایان حیرت بود . و بعد از آنکه غبرك غندهای [۲] و [۵] نیز بمخاربه اشتراك ورزیدند هزاره شکلات و بسیار ضایعات قسم اعظم قصبه [سانده پو] بدست روسها درآمد . اما دریک موقع مستحکم قصبه که بر جفتگاه مشابها داشت ژاپانها بکمال متانت و پایداری بر مدافعه دوام میورزیدند . بوقت شام [۲] آنگندك پیاده ، و یک تولی تفنگ ماشیندار و یک غندك طوپ به امداد و تقویه مدافعه کنندگان ژاپان رسید .

در شب [۲۷] از طرف لوی غند [۱۴] روس باز بکمال شدت بر [سانده پو] هجوم بوقوع آمد . اما ژاپانها بشدت تمام پایداری کرده هجوم روسها را رد کردند . لهذا روسها هجومهای خودشان را بی نتیجه دیدند [سانده پو] را سراسر

خالی کردند.

بوقت صبح [۲۷] جنوری يك، مفرزه ژاپنی که به لوی غند [۵] ژاپان منسوب و مرکب از [۸] غند پیاده، و [۱] غندك طوپ بود از [لاندونگو] به [سیویو] رفته و در آنجا با سواریهایی [میچه نقو] تصادف کرده آنها را بعقب کشیدن بسوی شمال مجبور گردانید.

در خط [سازنده پو - صوماپو] مخاربه سراز نوعلور یژاشتهال شده بود. چونکه قول تول غند نخستین سیریا به تبرض سراز نو قیام ورزیده بود، و برای ضبط کردن [صوماپو] بشدت تشبث نموده بعد از مخاربه های عنودانه که اجرا گردید، و غیرك غند [۲] شکاری سیریا نیز به امداد آمد قسم شمالی [صوماپو] را ضبط کردند، ولی هجومهای سوارنی [میچه نقو] که در شرق و جنوب [سا نشانپاو] اجرا گردید از طرف ژاپانها ردودفع شد.

قسم کشتی لوی غند [۵] ژاپان در شمال [طاطای] منتشر شده بود، و تا به شام به غیرك غندهای شکاری روس که در [لیوتیا قو] بود بقدر [۸۰۰] متره نزدیک شده بود، ولی هیچ جنگی در مابین دو خصم هنوز درنگرفته بود.

هنوز سراز شام [۲۷] جنوری، جنرال [غریبه نبرغ] از سر قوماندان قوه امداد به طلب کردن راجا کردن گرفته بود. زیرا قوه وجود خود را برای دوام کردن حرکات تعرضیه غیر کافی میدید. ولی جنرال [قورویا تکی] بجواب او خبر داد که «قوت تول غند دوم را برای توقیف کردن هجوم ژاپانها کافی میبینم.» حال آنکه در عین زمان در جهت ژاپانها، سر قوماندان ماره شال «اویاما» يك غند پیاده، و «۳۳» غندك طوپ، و يك غیرك غند پیاده لوی غند «۲» تول غند نخستین را برای امداد و تقویه مفرزه خود بمقابل جنرال «غریبه نبرغ» فرستاده بود.

بوقت صبح «۲۸» جنوری غبرک غند «۱۵» ژاپان از «لاندونگو» آمده
اول با قطعات لوی غند «۵۵» مشترکاً قطعات قازاق «میچجه تقو» را یکسر بسوی
ضرب طرد کردند . و بوقت شام به «صوماپو» واصل گردید .

درینجولوی غند «۸» ژاپان از صبح وقت به تعرضات بی هم از طرف قول تول
غند نخستین روس دوچار آمده بودند . برای تقویة این لوی غند ، غبرک غند دوم
شکاری را باغند یکم لوی غند «۱۴» فرستاده شده ، و به قوت این قوه آمده
دیه قریه های «صوماپو» و «حوکیاچی» بدست ژاپان هادرآمد .

لوی غند «۵» ژاپان پیش از پیشین «لیاتیاقو» را ضبط نمود . دو غند پیاده
شیکه از طرف روسها برای تقویة «لیاتیاقو» فرستاده شده بود بحال و وضعیت
ایموضع هیچ تبدیلی آورده نتوانست .

قوماندان قول تول غند «۱۰» روس جنرال «چرینسکی» برای خود
بایک غبرک غند پیاده بر «لابوتای» و «سیاعوتاجچی» اختیار تعرض نمود . اما
تا بوقتیکه در اینجا میرسید شام شده بود . و قریه های مذکور در زیر استیلای
عساکر ژاپان درآمده بود . این حرکت جنرال «چرینسکی» عینت قول
مانده ژاپان را مجبور گردانید که لوی غند «۳» را بحواله لئی شمان «لاندونگو»
بفرستد .

در «۲۸» ماه ، جنرال «اوکو» بمقابل قول تول غند «۱۷» روس از طرفین
خط شمند و قریه تشبث یک هجوم نمایشی قیام ورزیده بود . مارشال «ویاما»
در شام همان روز برای تقویة لوی غند «۵۵» از «طادوزامپو» دیگر قوای عسکریه
را به «طاطای» سر راست سوق نمود که این قطعات که بقوت های احتیاط منسوب
بودند بوقت صبح روز «۲۹» در اینجا واصل شدند .

جنرال «غریپه نبرغ» از حرکت کردن پیش قول تول غند «۱۰» جنرال

« چرپنسکی » حال و وضعیت حریف را مساعد و موافق پنداشته ضبط و تسخیر کردن « سانده بو » را سرد و باره آرزو نموده بود . اما چون باز از « قوز و پاتکین » طلب امداد نمود ، بجواب آن امر رجعت برای او رسید .

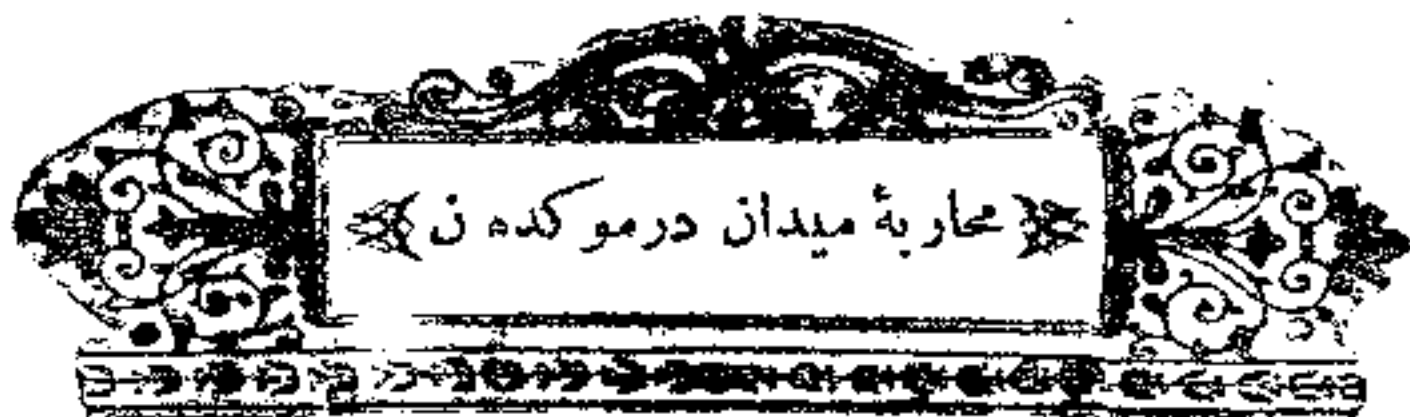
فی الواقع روسها روز دیگر بوقت صبح وقت بمخاربه های شدتتاک و تیاکدرجه بصورت منظم بر رجعت آغاز نهادند . ژاپانیها تا به ظهر « هون » روسها را عقب گیری کردند . از انجا پیشتر تعقیب کردن از طرف قرارگاه عمومی نتیجه یز نشد . لوی غنده های « ۵۵ » و « ۸۸ » ژاپان در خط « سانده بو — هوقوتای » به ساختن استحکامات آغاز کردند .

قول تول غنده شکاری روسها نیز بر خط « چانتان سیفانتای » در کشیده در انجا باستحکام ساختن آغاز کردند .

درین مخاربه ضایعات ژاپانیها از مقتول و مجروح بقدر « ۸۷۰۰ » و از روسها تقریباً « ۱۵۰۰۰ » آدم بود . « جنرال شتا کلبرش ، و جنرال بیچه نقو ، و جنرال قوندراتوویچ » مجروح شده بودند . و بسبب شدت برودت مجروحین مذکور از زخمهای خودشان خیلی مضطرب شده بودند .

در نیمخاربه « ۶۴ » کتندک پیاده . و « ۴۸ » ضرب سواری ، و « ۲۷ » غنده کتوب روسها که جمله « ۶۰۰۰۰ » جنگ آور باشد ، بمقابل « ۴۲ » کتندک پیاده ، و « ۲۰ » ضرب سواری ، و « ۲۰ » غنده کتوب ژاپانی که جمله « ۵۰۰۰۰۰ » هزار عسکر باشد مخاربه کرده اند ، و نتیجه غالبیت بازم بطرف ژاپانیها مانده است .

جنرال (خریبه نبرغ) بعد ازین مخاربه به آرزوی خود قوماندانی را ترک کرده به روس عودت کرده است .



« در باب چگونگی آغاز کردن مخاربه (موکدهن) موسیو (بار زینی) نام شخصیکه بصفت مخابر یک جریده یعنی - اخبار ایستالیایی در مخاربه موکدهن حاضر بوده است تصویرات خود را چنین تخریر کرده است :

« چنان حس میشد که مخاربه قریب الوقوع باشد . آیایچه دلیل ؟ اینست که بر جواب این مقتدر نیستم ؛ زیرا مدنیتست که طوب های طرفین التزام سکوت کرده اند ؛ سو قیات و حرکات قطعات ژاپانی که رفتار اسرار انگیز آنها را بر صحرای انجام داده در شبهای پیشتر دیده و شنیده بودیم ، درینوقت فاصله پذیر ختام شده بود . مسئله نقلیات طوب های دیو آسای که از (پور آرتور) در صرا به های قوی بار کرده ، و با عسکر های تنه مند قوتناکی کشیده آورده شده بود نیز به انجام رسیده بود ؛ در صحرای بخ بسته هیچ یک مانور و تطبیقاتی بوقوع نمی آمد . همه کس چنان گمان میکرد که حرب ختام یافته است .

« در قرارگاه عمومی ژاپانها مراسم قبولها ، و جشنها ، و مهمانیها پی هم اجرا میکردید . جنرالها ، و ارکان و امرای عسکر به از هر وقت بیشتر بانشاء ، و نشاط دیده میشدند . پس چنانچه هوا ، وقتیکه بسیار آرامی و گرمی پیدا کند ، در پی آن همه حالت ظهور یک طوفانی تخمین میشود ما هم ازین احوال سکونت اشتغال قریب الوقوع بودن مخاربه را استدلال میکردیم ؛

« هر روز ، بعد از آنکه آفتاب در پس پرده افق میدرامد اجرای سو قیات

و حرکات عسکریه بکمال سکونت میدان میبرآمد که از نخستله آتش میایدترهای اجنبی که در تول غند زاپان بودند بشیبه افتاده بودند .

« تول غند جنرال (اوقو) که من به آن منسوب بودم ، در نهایت دسه پراز لوی غند های چارم ، ششم ، سوم سرکب بود . درینوقت یعنی — اواسط ماه قبروری از لوی غند های هشتم ، و پنجم ، و چارم سرکب شده بود . لوی غند سوم سراسر از میان غائب شده رفته بود . ازین لوی غند هیچ اثر و خبری در میدان نبود . تول غند جنرال (نوزو) که از لوی غند دهم ، و پنجم ، و یک غیرک غند . مستقل تشکیل یافته بود یکی یکبار از لوی غند ششم ، و تول غند دهم و دو غیرک غند سرکب گردیده بود .

« هرگاه به مکالمات افسران اجنبی که در تول غند مابود عطف سمع دقت شود اینسخنان شنیده میشود :

یکی — آیا (نوژی) در کجا خواهد بود ؟

دیگری — در منتهای جناح چپ !

— نی ، در منتهای جناح راست !

— نی نی ، در احتیاط عمومی

— شما نمیدانید ، تول غند (نوژی) سرد است بسوی (سین مین تین)

در رفتار پیش روی خود دوام دارد .

— نی بابا ، به (فوشان) میرود !

— نی زاپانها به نیت تعرض کردن نیستند . چونکه (قور و پاتکین) نیم

ملیون عسکر را مالک شده است .

— زاپانها همه جان هجوم میکنند !

— نی مدافعه میکنند .

— آیالوی غدر سوم چه شد ؟

— راستی ؛ این مسئله يك معمايست كه دانسته نمیشود !

« و الحاصل در میان این همه فکر های ضد و منباین يك چیز راستی اگر باشد همینست كه : ژاپنها بر ای آنكه دشمن خود را غافل سازند ، و حاضر بهای واقعه خودشان را بندگان سازند و کجیات تول غند خودشان را تبدیل داده بودند . »

— (تعلیمات بارون [نوژی]) —

در روز (۵) ماه فبروری سنه ۱۹۰۵ از طرف بارون (نوژی) به تول غند

سوم ، ظفر خود اینگونه تعلیمات داده شده است .

« شما ، به ضبط و تسخیر کردن قلعه (پور آرتور) موفق و کامیاب شدید كه آن قلعه را خود دشمن ، و عمداً دنیا را بمنع التسخیر) گمان کرده بودند ! و برای این فتح و ظفر هزار گونه ، مشكلات و زحمت را بر خود گوارا ساختید صداقت ، و شجاعتی كه شما نشان دادید همه عالم آن را تحسین میکنند كه به این صداقت و شجاعت منعم حیرانم !

« حالاً يك محاربه میدان نوی اشتراك میورژیم ، درین باره دشمن خود در محاربه میكنیم ، و برای حاصل کردن يك موفقیت بسیار درخشان در نتیجه پذیر کردن این محاربه شیکه از دو سال به اینطرف دوام میورژد کوشش میورژیم . محاربه (پور آرتور) را محاربه (بوکده ن) كامل الثمره میگرداند .

« اگر چه به این يك میدانم كه شما فرقی را كه در مابین محاربه با موقع ، ستاحكم

و محاربه صحراست بخوبی میدانید ، و نمیخواهم كه درین باب تفصیلات بدهم . ولی باز هم آرزو میكنم كه بر بعضی نقاط نظر دقت شما را جلب نمایم :

- ۱ - وقتیکه يك نتیجه غیره و افقی حاصل شود ، مشترك بودن اجرای حرکات را بهانه کرده مسئولیت و بازخواست را بر قطعات مجاور اسناد کردن يك عار و خطای بزرگ است که ازان اجتناب کردن ضرور است ، و هر قطعه ، بی آنکه معاونت و امداد دیگران انتظار بکند ، خود آن قطعه را لابد و لازمست که برای معاونت دیگر قطعات هر دم و هر زمان حاضر باشد .
- ۲ - در محاربه صحرا چاره یگانه ، مظفریت همانا بکمال هنرم و جسارت محاربه کردن است . اگر يك قسم طول غنند پریشان هم بشود ، باز هم میباشد که ازان مأیوس نشده به اعتیاد و شدت زیاده تری بر محاربه دوام و عناد کرده شود . که به این سبب در نتیجه کار مظفریت عمومی بدست می آید .
- اگر در عین يك موقع بسیار بمانید بضایعات بیجا و پیهوده گرفتاری آید ، لهذا در کم مدت کار را پیش بردن ، و در پیش روی به در نشدن غیرت کردن ، و بر مهالك ، وجوده بصورت عازمانه و شجیهانانه پیش رفتن لازم است .
- ۳ - برای حاصل کردن مظفریت قطعی ، اساس شرط ها اینست که جبهه خانه خود را به اداره و تدبیر استعمال باید بکنند . و رعایت کردن این شرط ، در محاربه عینی الا کثر خیلی دشوار است . مع هذا در اثنای يك محاربه تعرضی تدارك کردن جبهه خانه بقدر دخواه خیلی مشکلست . لهذا برای التکبالا آخره پیشانی دست ندهد ، و در وقت بسیار لازمی بی جبهه خانه نماند در باب استعمال جبهه خانه از اول تصرف و اداره کردن لابد و ضرور است .
- ۴ - غایه مقصد ، در محاربه صحرا همانست که قسم کلی دشمن را پیدا کرده محو کرده شود . لهذا با قوت های ضعیف دشمن ، و قطعات گشفتن ان بسیار سرگرم نباید شد . و دائما غیرت و سعی باید کرد که قوت مهم دشمن را بگیرد بیاید .

۵ — دشمن ماسواری بسیار قوت‌مندی را مالکست . از ازر و عقب‌های
تول غند ما به تهدیدات این سواری معروض خواهد شد . اما این مسئله بر
نتیجه قطعی هیچ دخل و تأثیری بهم نمی‌رساند . بنا برین ازین هیچ اندیشه
نگرده . بکمان امنیت و جسارت پیش بروید .

۶ — تول غند بجز طور ما ، در میدانهای مخاربه بر قوت‌های فایق دشمن
دایماً شدت عزم و مقنات خود ، و کمان امنیت خود که بر حاصل کردن نتیجه قطعی
دارد احراز غلبه کرده است . درینبار نیز محتملست که بیک دشمنی که عدداً
بر تول غند منافیق باشد تصادف بکنیم . اما این هیچ اهمیتی ندارد . لهذا قوه
معنیه ما برای مغلوب کردن اینچنین یک خصمی که عدداً بر ما متفوق باشد متین
و ناقابل تنزل باید بود .

« تول غند ما که تا بحال انظار تحسین همه عالم را جلب کرده در سیرت ایقاعی
یک وظیفه بسیار بزرگی را در عهده کرده است که بسایه بجا آوردن این و
وظیفه نتیجه حرب اقصای شرق ، و استقبال آینده اقصای شرق تعیین کرده
خواهند شد . مظفریت ، و یا مغلوبیت تول غند بحرکات و مساعی شمانعین
خواهد شد . آیا برای شما و کتر ازین یک مدار مفخرتی تصور می‌شود ؟
« هیچ شبهه ندارم که وظیفه خود تا آنرا فدا کارانه ایفا کرده شرف و
شانی که تا بحال آنرا کجایی کرده آید به این معنیات مخاربه بحر محافظه و دی
بالا خواهد کرد . در شرف مظفریتی که کجایی کنید یک حق اشتراک خود
را نیز چون بیاد می‌آورم از حال اشادان و مفتخر می‌شوم .

« وصیت آخرین من همینست که هر قدر که اردست تان می‌آید می‌گو

شش کنید ، و دشمن تان را مغلوب سازید . »



﴿ تعلیمات جنرال اوقو ﴾

در (۲۰) فبروری جنرال (اوقو) نیز به افسران تول غند دوم خود خصوصاً و محرم یک تعلیماتنامه فرستاده است که بعضی فقرات تعلیماتنامه مذکور که خیلی شایان استفاده است نقل میشود:

« از مصالحه بحث را نده میشود . ماه این بحثها بیگانه باید باشیم . چونکه این بحث وظیفه دیپلوماتهاست ، و وظیفه ما اشتغال کردن با پولیتیکه نمیشد . و در نظر ما حربه ، آنوقت خاتمه پذیر شمرده میشود که دشمن سراسر مغلوب و پریشان شود . حال آنکه دشمن هنوز سراسر پریشان نشده است . بلکه بالعکس ، یک فعالیت و تیغظ بسیار بزرگی نشان میدهد ، و بمحدوده کردن مردم یک فرصت مناسبی را انتظار میکشد . با دشمن محو و مهترم نشود ، و وظیفه ما هیچگاه کامل نمیشود .

« میبینید که زمستان سخت (ما بچوری) نزدیک تمام شدن رسیده است . تول غند ما از محاربه (شاحو) به اینطرف بکمال فعالیت حاضر میباشد که اجراء کرده ، جمله کی حاضر و آماده شده است . لهذا زمان آن رسیده که بسوی نتیجه قطیه یک خطوه نوبی بیندازیم .

« برین یک اطمینان تمام دارم که شما هم بفکر من اشتراک کرده و بی آینده بکمال اعتنا حاضر شده میباشید . طبعاً به این میدانید که به او اسرمن و او اسر دیگر ما فوق های خود اطاعت کردن خیلی لازم و واجب است . این تعلیماتی که بشما میدهم ثمره تجربه های مدعشیتست که بمقابل خون و حیات هزاران افراد و افسران حاصل شده است . زیرا از بسی ماههاست که با یک دشمن بسیار بزرگ و منظم جسور و قویتمندی روبرو و دست گریبان میباشیم . ازین تجربه های متمادی دریاب مجاریات آینده بسیار چیزهای قیمتمنداری نوبی آمو

ختیم . بنابراین آنکه تعلیمات سابقه را از نظر دقت دور بردارید ، به احکام این تعلیماتیکه بقرار ذیل برای شما بیان میکنم حرف بحرف رعایت کردن شماره وصیت میکنم :

۱۵ — آتش طوپچی برای حاضر کردن هجوم بالطبع خیلی اصول خویست مع مافیه اگر در وقت انداخت طوپهای سنگین چاپ بزرگ صنف پیاده ، بحرکت پیش روی حاضر نشده باشند بر موضعهای دشمن تنها کله بارانیدن يك حرکت بیفائده ایست . صنف پیاده اگر چه ترقیات شان بسیار آرام هم باشد . باز هم از پیش رفتن لحظه پس نباید بمانند . زیرا يك مسافه بسیار کمی کفایتی کردن از جایجا ایستادن در هر حال بهتر است . و اگر پیش رفتن پیاده غیر ممکن باشد ، صنف طوپچی تا وقتی که صنف پیاده بحرکت آغاز کند انتظار کرده بعد از آن به آتش کردن ابتدا کند . پیاده هر چه بادا باد دایما به پیش رفتن کوشش ورزد . در میان حرکت پیاده و انداخت طوپچی آهنگ و موافقت تمام وجود باید بود .

۲۵ — موضعی که یکبار بدست افتد باز از دست نباید داد اگر يك عودت شد تسکی تعرضیه دشمن بوقوع آید برای رد کردن آن با بمهای دستکی ، و تفنگهای ماشیندار همیشه حاضر و آماده باید بود . تفنگهای ماشیندار از همه وقت بیشتر در بنگونه احوال بکار میآید . اما برای خوب کار دادن اینها میباید که ما شینهای تفنگها دایما بخوبی و درستی ياك کرده شده و روغن داده شده باشد اگر چه تعمیرات اینگونه سلاحها خیلی جزوی و بی اهمیت هم باشد باز هم در دقیقه های بسیار مشکل و بحران انگیز محاربه اگر تعمیرات آنها لازم شود هماندم اجرا باید شد . میترا الیوزها را هیچ وقت جدا استعمال نباید کرد .

۳۵ — در بنوعی که بر زمین منجمد جرها و خند قهای شکاری

کنندن مشکل و منسراسر است ، از آنرو قطعاً تیکه برای هجوم میروند باید که با خود جوالهای ریک موجود بدازند ، اگر دشمن خیلی تین باشد ، و یا آنکه به تفنگهای ماشیندار تصادف شود تا بخط هجوم پیش ، يك قطعه كوچك طوپچی پی اسب از طوپچی جبل باید فرستاد . در چنین احوال برای خراب کردن خط مدافعه دشمن طوپهای چوبین که مواد اشعاعیه انداخت میکنند بکمال موفقیت استعمال کرده میشود .

۴ — در وقتیکه هجوم بر يك جبهه بسیار و وسیع بوقوع آید برای تصرف و اداره کردن جبهه خانه و افراد ، قریه ها و ده ها تیکه در پیش آید محکم کرده از آنها مانند نقطه استناد استفاده باید کرد . و اراضی بازی را که در مابین ده ها میاند باید خط شکاری از همگسسته اشغال باید کرد که بسایه این اصول قوتهای احتیاط جمع و زیا ده گردیده در هر وقت و هر موقعیکه خواش باشد ، از آنها استفاده کردن قابل میشود .

۵ — بمجردیکه موضعهای نواستیدلا شود هماندم در خصوص احوال اراضی و ترتیبات و حرکات دشمن را پور باید بفراستید . زیر اتباع و مطالبه آن برای احراز موفقیت فوق العاده حائز قیمت و اهمیت است . از هر چیز مقدم يك کار دیگر است که آنها نیست که حرکات قطعاً تیرا که در جناحهاست دایماتد قیق کردن ، حال و وضعیت حریبه را از طرف خود حکم و تقدیر نمودن ، و نظریه آن حال و وضعیت اجرای حرکت کردن .

« عسکرها تیکه تنها منفعت خودشان را اندیشیده ، و بمنفعت رفقای خود حقت و اعتنا نکنند آنها سر دمان عادی ناعسکر است که از صنعت حرب سرا سر بیگانه اند .

۶ — قطعات عسکریه هر گاه در عین يك ، وقع طول مدت بماند بکس های افرادشان با چیزهای بیلزوم بسیاری پر میشود که آنها آزادی و سرعت و حرکت

شانرا نخلل دار میسازد. لهذا از برداشتن اشیای بیکاره عسکرها را مانع شوید. و با این اسباب سرعت حرکت شانرا جستجو نمائید. برین یک بسیار دقت کنید که سلاح و جبهه خانه تان به چه صورت بدست دشمن نیفتد. اگر دیدید که آنها را برده نمیتوانید و احتمال بدست دشمن افتادن شان پیش آمد، اگر چه به های حیات تان هم باشد، آنها را محو کنید، و بسوزانید، ولی قطعاً نگذارید که بدست دشمن بیفتد. »

(قوت های تول غندهای طرفین در آشنای مخاربه (موکدن)

(تول غندهای ژاپان)

قوماندان عموم تول غند، ماره شال (او یاما) — رئیس ارکان حرب عمومی جنرال (فوداما) : تول غند (۵) م

قوماندان : جنرال (قوا، ورا) : قرارگاه : (کین شانغ) . رئیس ارکان حرب : جنرال (او پی جاما) .

غندك طوب	تولی	كندك	
۴	۱	۸	غبرك غند احتیاط اول
۴	۱	۸	غبرك غند احتیاط دوم
۶	۳	۱۲	لوی غند (۱۱) م
.	.	۱	در نزد قرارگاه
<hr/>	<hr/>	<hr/>	جمع کل
۱۴	۵	۲۹	

تول غند (۱) م

قوماندان جنرال (قوروی) : قرارگاه (پانلیبر انجی) رئیس ارکان حرب :

جنرال (فوجی) :

هيفد ۱۹۳۳ قونهای تول غند های طرفین در اثنای محاربه (موکدهن) جلد چهارم

گندک	طرب	غندک طوب	
۱۵	۳	۷	لوی غند (۲) م
۱۸	۳	۸	لوی غند (۱۲) م
۱۲	۳	۹	لوی غند (خاصه)
۹	۰	۰	احتیاط تول غند
<u>۵۴</u>	<u>۹</u>	<u>۲۸</u>	

تول غند (۴) م

قوماندان جنرال (نوزو) : قرارگاه (طاپو) رئیس ارکان حرب : جنرال
(اویه هارا) :

گندک	طرب	غندک طوب	
۱۲	۳	۷	لوی غند (۱۰) م
۱۲	۱	۲	لوی غند احتیاط
۱۲	۳	۷	لوی غند (۶) م
۱۸	—	۱۸	احتیاط تول غند
<u>۵۴</u>	<u>۷</u>	<u>۳۴</u>	

تول غند (۲) و م

قوماندان جنرال (اوقو) : قرارگاه (دوزامپو) رئیس ارکان حرب :
جنرال (اوزه قو)

گندک	طرب	غندک طوب	
۱۲	۳	۷	لوی غند (۴) م
۱۲	۳	۷	لوی غند (۵) م
۱۲	۳	۷	لوی غند (۸)
۰۰	۱۲	۱	غبرک غند سوارتی (۱) م

گندك	طرب	گندك طوب
۱۸	۰	۰
<u>۵۴</u>	<u>۲۱</u>	<u>۲۲</u>

در نزد قرارگاه تول غند

تول غند (۳) م

قوماندان جنرال (نوژی) قرارگاه (سیاعو) رئیس ارکان حرب : جنرال
(ماچوناغا)

گندك	طرب	گندك طوب	
۱۲	۳	۷	لوی غند (۹) م
۱۲	۳	۱۰	لوی غند (۷) م
۱۲	۳	۷	لوی غند (۱) م
۰۰	۱۲	۱	غبرك غند سوارئی (۲) م
۶	۰۰	۲۰	احتياط تول غند
<u>۴۲</u>	<u>۲۱</u>	<u>۴۵</u>	

احتياط عموم تول غند

گندك	طرب	گندك طوب	
۱۸	۰۰	۰۰	(۳) غبرك غند احتياط
۱۲	۳	۷	لوی غند (۳) م
<u>۳۰</u>	<u>۳</u>	<u>۷</u>	

غير ازین مقدار (۱۷۰) قطعه طوب او بوس سنگین چاپ و مقدار (۲۰۰) تفنگ ماشيندار نیز موجود بود .

تول غند روس

سر قوماندان عموم تول غند های روس جنرال (قورویا تکین) ، رئیس

ارکان حرب عمومی، جنرال (ساخاروف)، قوماندان قرارگاه، جنرال (نه ورت)،
قرارگاه تول غند (سیاحه تون) بود :

تول غند (۱) م

قوماندان : جنرال (لینه ویچ)، قرارگاه : (هوانشان) رئیس ارکان
حرب : (هارک ویچ) :

کنندک	طرب	غندک	تفنگک	باشیندار
۲۳	۲۳	۷	۰۰	مفرزه های (مادریلوف) و (ماسلوف)
۱۵	۱۸	۸	۸	قول تول غند (۳) م سیبریا
۲۰	۲	۹	۸	قول تول غند (۲) م سیبریا
۲۲	۴	۱۰	۰۰	قول تول غند (۴) م سیبریا
۳۰	۳	۰۰	۰۰	قول تول غند (۱) م اورویا
<u>۱۲۴</u>	<u>۵۳</u>	<u>۴۵</u>	<u>۱۶</u>	

تول غند (۳) م

قوماندان : جنرال بارون (بیلدهرلینغ) : قرارگاه (سویاتون) رئیس ارکان
کان حرب : جنرال (مارسون) :

کنندک	طرب	غندک	طوب
۱۶	۶	۶	۶
۳۲	۱۲	۱۲	۱۲
۲۸	۴	۱۴	۱۴
<u>۷۶</u>	<u>۲۲</u>	<u>۳۰</u>	

تول غند (۲) م

قوماندان : جنرال (کوئولبارس) : قرارگاه : (ماتوران) رئیس ارکان

حرب : جنرال (روسی)

ماشیندار	غندك	طرب	كندك	
۱۶	۸	۶	۳۰	قول تول غند (۱) م سيبريا
۰۰	۱۴	۲	۲۸	قول تول غند (۱۰) م اورويا
۱۶	۱۲	۲	۳۲	قول تول غند (۸) م
۰۰	۹	۲	۲۴	قول تول غند مختلف شكارى
۴	۲	۳۶	۸	مفرزة غرب
<u>۳۶</u>	<u>۴۰</u>	<u>۴۸</u>	<u>۱۲۲</u>	

احتياط عموم تول غند

ماشیندار	غندك طوپ	طرب	كندك	
۰۰	۰۰	۰۰	۴	غند پياده (۱۴۶) م
۰۰	۰۰	۲	۰۰	از غند قازاق (امور)
۰۰	۶	۰۰	۱۶	قول تول (۷۲) م
۱۶	۹	۰۰	۲۴	قول تول غند (۱۶) م
<u>۱۶</u>	<u>۱۵</u>	<u>۲</u>	<u>۴۴</u>	

غير ازيشها اين قطعات نيز موجود بود : از غند (۲۸۳) و م (۴) كندك پياده .
 غند قازاق (اوسورى) « ۶ » طرب سوارى ، و (۲) غندك طوپ . طوپ
 پيچى (هاوان) « ۱۰ » غندك (۶۰) قطعه طوپ . طوپهاى قديم صحرا (۶)
 غندك (۴۸) طوپ . طوپهاى بزرگ سنگين چاپ (۳۰۰) قطعه . تفنگ
 ماشيندار (۱۲) عدد .

نظر به اين حساب تول غند روس در اين زمان (۳۷۰) كندك پياده و

(۱۴۲) طرب سواری و (۱۵۳) غندك طوب را مالك بود . یعنی از (۳۲۵ ، ۰۰۰) پیاده ، و (۱۸ ، ۰۰۰) سواری ، و (۱۰ ، ۲۰۰) طوب صحرا و (۳۰۰) طوب بزرگ سنگین چاپ ، و (۸۸) تفنگ ماشیندار مرکب بود .

تول غندزایان (۲۶۳) کندك پیاده ، (۶۶) طرب سواری ، (۱۵۰) غندك طوب را مالك بود . یعنی از (۲۶۳۰۰۰) هزار پیاده ، (۱۱۰۰۰) سواری ، و (۹۰۰) طوب صحرا ، و (۱۷۰) طوب بزرگ سنگین چاپ ، و (۲۰۰) تفنگ ماشیندار مرکب بود .

پس به اینحساب معلوم میشود که درمابین تول غند های دو خصم متقابل تفوق بازم بطرف روسها بود . از قول بعضی مخبر های جنجی روایت میشود که چون از ارکان حرب ژاپانها در اوایل محاربه از مقدار قوت شان پرسیده میشد دا یماقوت خود را از قوت خصم خود کمتر رقم میدادند ، و هرکس را درینباب به قانع ساختن کوشش میوزیدند که مقصد شان ازین کم زدن این بود که : روسها را بر قبول کردن و پیش آمدن محاربه تشویق و ترغیب دهند ، و بعد از آن شرف و شان مظفریت خود شان را دوباره بکنند . اما درینوقت عکس آن مسلک را پیش گرفته اند : یعنی چون از مقدار قوت خودشان سوال شود چنان اوضاع و اطواری نشان میدهند که گویا قوت شان بملیونها بالغ شده است .

(احوال طیوغرافیه میدان محاربه)

میدان از اضی شیکه در ضرب جاده (موکدمن — لیاثویانغ) واقع شده صاف و هموار است . درینوقت نهر هائیکه درین دشت موجود میباشد بایک

طبقه کثافت بچ مستور است که هم در طولها بکمان خون مقاومت می تواند .
 این صحنه حربه بسیار بزرگی است خاصه بمونه عجیبی دارد که آنهم در مابقی
 تشکلات طبیعی قسم غربی و شرقی آن بدرجه شایسته وقت است و مابقی
 موجود است . یک ریشه وی : باشند و در میدان محاربه را از یکسر تا پیشگاه
 سر قطع میکنند ، وقتی که از نجره و شورانی که در آن سوار است بطرف چپ
 و راست خود نظری اندازد چند نمان میبرد که در دو محله های جدا گانه
 سیاحت دارد .

در یک طرف خالی و هموار یک دست بی پایان نمادی کرده رفته است و در
 دیگر طرف یک ساحه اراضی عارضه تاکی از کوه های سخت و برهنه سر
 تیزی متشکست مشاهده میشود .

در فضای محاربه بجز در ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ بر روی زمین هیچ درین دو تار بچ کرد
 بانه های سردر تندی ظاهر و پشته و دیوار همه روزه صاف و آفتاب دار گذشته
 بوده تنها در ادیرای قرانج (خاکه) و اهلوان (بقر اراضات خود بود بود و در
 طبع باقی بود در اراضات و اخیل اشکال میباشد .

چپه خط مدانه ژاپن کرپه ، اندر چپه خط مدافعه و وسه متصل
 نبوده ، در وسط شرقی قه تمانه بود ، در عقب خط نخستین در بجهان
 مدافعه و ضعیف شده بود ، از چپه های پس اندازی تقریبه مستوری تأسیس داده
 شد ، در این حالت در وضعی با یکدیگر و باقران کاههای قوم اندانها ،
 وقران کاهها ، مستیگر و اسطه تلگراف و تلفون باهمدیگر مربوط بودند .

در میدان محاربه بزرگی بزرگی در تلگرافها اجراء بنموده ، اگر شمشیر و قوس
 نمیبود باهم اینچنین طول نماندند ، در زمین ممکن میشد ، اما اگر تلگراف و
 تلفون نمیبود امر سوق و اداره اینچنین طول نماند در محاربه خارج دایره امکان

صفحه ۱۹۹ آغاز حرب وقایع از ۱۹ فیروری تا ۲۶ فیروری چند چهارم

میشد. زیرا يك جاوش اسروسن برای آوردن خبر را از منتصابی جناحها
تابه قرقرگاه عمومی لاقن (۱۲) ساعت در راه صرف کردنش لازم بود. آمده
و برای توشیق و واپس بودن اسرها کم از کم (۲۴) ساعت بخرج میرفت. حا
لا آنکه در ظرف این مدت در وضعیت حربی چه تبدلاتی نبودند حاصل میشد.
لذا همه میدان محاربه باین شبکه خطوط الکتریکیه اسروسن مستور
شده بود. این شبکه بواسطه (۲۶) استاسیون تلگرافی و تلفون گزیده وضع
مختلفه همه اخبار و حوادث را بقرقرگاه مازو شال (اویان) ب سرعت برق نقل و
ایصال مینمود.

{ آغاز حرب }

(وقایع از (۱۹) فیروری تا (۲۶) فیروری)

در (۱۹) فیروری در قرقرگاه عمومی روسین جنگ محاربه حرب بدعتی که دیده
درین مجلس قرار داده شد که در جناح روسین جنگ محاربه تعرضی اجرا
کرده شود. این قرار باین فکر تقاضی و استاسیون که عبارت از جنگ و ترفی تعرضی
عمومی و این قرار بدعتی بود. زیرا اسطفا برای جنگی بود.
نتیجه های محاربه های خطرناک روسین جنگ محاربه است که در
در مقابل قوت زیاد و تراز خود و باز اثر تعرضی بعلی پاسر مغرب شده اند. حال
آنکه در سنوات باین قوت نزدیک به مساوی آن وقت از پیشتر چه نتیجه
خواهد بخشید؟

هیئت قومآنده روس درین بار تجربه این فکر نبود که يك کار جدید و بدعتی
از پیش برد، بلکه آرزوی اینرا داشت که به نام قشون بدعتی که تولد غنادروس
هنوز هم موجود و فعال يك تولد شدند، و ازین سبب بر اینچنین يك تعرض

ظہری قرار داده بود .

در مجلس حرب این يك قرار گیر شد کہ بر موضع دشمن کہ در جوار (سانده یو) میباشد تعرض و هجوم کرده تول غند دشمن را یکسر بسوی شرق براند . و بعد از آنکہ هجوم طوپ چی حاضر بشود ، قول تول غند مختلط نشان اندازیر (وانچا دوین) ، و قول تول غند (۸) م بر موقعهای (سانده یو) ، و (سیا عوتاجی) ، و قول تول غند (۱۰) م (برلا پوتا) تعرض میکند ، و غند (۹) م این قول تول غند بمقابل (ئیدیانتون) تایش اجرا مینماید .

در حالیکہ قرار هیئت قوماندہ روس بر ینموال بود دفته در وضعیت عمومیہ ذکر گونہ یک تبدیلی حاصل شد . زیرا در ین اثنا قرار گاہ عمومی ژاپان بنا کمان برد و جناح روس بیکبارہ کی حمله آور هجوم گردید . به این ملحمة کبرا کہ بنام مخاربه (میدان موکدن) به صفحات تاریخ داخل شد ، و یک - مسله مخاربات مدہشہ را در بر گرفته از عمه پیشتر تول غند (قارامورا) آغاز نموده است .

وظیفہ یگانہ این تول غند ، عبارت از ستر و محافظہ کردن جناح راست تول غند ژاپان بود کہ بر اہہ کدن (بہجوم حاضر شدہ بود) هدف رفتار جنرال (قارامورا) سر راست موقع (فوشون) بود . این تول غند (قارامورا) در ابتدای امر از یک لوی غند سر کب بود کہ در (شیتا پیو) بر آورده شد . این لوی غند یک مدت طولانی رہگذار مظفریت تول غند (قوروکی) را تمقیب کردہ از سر (پنیغ یانغ) بمیدان مخاربه واصل شدہ بود . این لوی غند در نہایت دسمبر بادشمن تہس پیدا کردہ ، و سپرہای شکاری خود را کندہ بہ انتظار فرصت نشستہ بود . در ین اثنا از (پوز آرتور) در زیر قومانداتی جنرال (ساماجیا) لوی غند (۱۱) م واصل میدان مخاربه گردیدہ بود کہ این لوی غند

به تقویت لوی غند (قاوا و را) ماهور گردیده بود .

این لوی غند (۱۱) م در سردپهای شنید ماه جنوری (مانچوری) در کوه ها و دره های بایر قها و یخها مستور زیاده از یکماه راه پیوده از (پور آرتور) به (مانچوری) آمده بود . و بمجرد رسیدن بمیدان محاربه ها ندم بمجنگ سوق گردید .

پیش از آنکه محاربه آغاز کند جنرال (ساماجیا) بر افراد لوی غند خود این خطابه را بر خواند :

« عسکرها ! قوماندان تون غند ، رفتن مارا بمحاربه امر نموده . این امر و برای لوی غند خود شرف بزرگی باید بشماریم . من ، در (پور آرتور) باشما یکجا در تاستان و زمستان بهر نوع مشقتهای محاصره اشراک و ورزیدم . و باز باشما یکجا بسیار راه دور و درازی پیودم ، با وجود آنهم هنوز استراحت میسر نشد . زیرا استراحت به انجام یافتن حرب موقوفست . حالآنکه حرب هنوز به انجام نرسیده است .

« عسکرها ! بمخاطر خود بسیارید که سلامت مملکت ما به نتیجه این محاربه تا بهست . بر شجاعت شما ، و بدست آوردن مغفرت شمشه دار شما اطمنان تمام دارم . لهذا شما را امر میکنم که چنانچه لایق و سزاوار قهرمانها باشد حرب بکنید ! »

در (۱۹) م فیروری این طول غند که بم (تول غندیالو) موسوم شده است — زیرا از راه یالو آمده — در حالیکه در طرف راست لوی غند احتیاط ، و در چپ لوی غند (۱۱) م را ترتیب داده بود با مغرزه شرق روسها بمحاربه آغاز ، و جنگ کرده کرده تا به (۲۴) م فیروری آنها را از موقعهای شان گذر جوار (جنیدولی — چنحوچن) بود یکسر بسوی شمال غربی طرف

و دفع کردند.

وظیفه ضبط کردن (چند جوچن) به حصه لوی غنند (۱۱) م (پور آرتور) اصابت کرده بود. یکی از مخابر های اجنبی در باب این مخاربه باینگونه تفصیلات میدهد.

• وضعهای روس از يك سلسله های تپه های پر سنگلاخ سخت مرکب شده بود، و این تپه ها با طوبخانه ها، و استحکام های بسیار محکم و متین که به درجه استحکامات دائمی گفته شوند تجهیز و تحکیم کرده شده بود. و از هر طرف با سپرهای شکاری احاطه شده بود، این تپه های پر سنگلاخ آنچنان يك منظره مهیبي داشتند که ژاپنها آن را (پور آرتور کوچک) نام نهاده بودند.

• لوی غنند (۲۳) م پیش از طلوع آفتاب به هجوم آغاز نهاد. از نیم شب باینطرف برف میبارید، سردی هوای خیزی شدید بود. رفتار لوی غنند خیلی زحمت آکین شد. يك قسمی ازین لوی غنند میبایست که از نهر (تاچه) بگذرند. اما چون طبقه یخها که سطح آنرا مستور داشته بود آب شده بود. یل بستن لازم آمد. ازین تاخیر یک بمجبوریت پیش آمد هجومیکه برای وقت صبح مصمم شده بود، بوقت پیشین آغاز شد. ژاپنها از همه عوارض زمین استفاده کرده خود را تا به ۴۰ متر بدامن گوه رسانیده در اینجا خط اول هجوم خود شانرا تأسیس دادند که درین اثنا طوپچی دشمن نیز بکمال فعالیت به گاه ریزتی شدید آغاز نهاد. بودند.

• از هجومهایکه امروز و امشب اجرا کردید هیچ فائده حاصل نشد.

• بوقت سحر مخاربه سر از نو آغاز نهاد. • وضع دشمن از جهت جنوب و غرب پچانیده شده بود. • اما هجوم برخاستن غیر ممکن بود.

• ترتیبات تدافعی روسها از دامن تپه تا به ذروه آن به اینصورت بود:

اولایک خندق ، در عقب آن دیگر خندق نخستین شکاری ، و در اطراف آن شبکه ها و دامهای سیمی ، بعد از آن خندق دومین شکاری ، و باز شبکه ها و دامهای سیمی ، بعد از آن باز یک خندق شکاری و باز دامها و شبکه های سیمی ، و بر سر فروه استحکامهای پخته و طوی پخته ها موجود بود .

« جنرال (ساما جیا) دید که اگر سعی و اقدام بسیار دیرانه فداکارانه اجرا نشود ضبط کردن این موقع خیلی بطول می انجامد . لہذا به اصولهای فوق العاده شبکه در محاصره (پور آرتور) استعمال کرده بود مراجعت کرده یک مفرزہ افراد استحکام را با کله های دستی مجهز نموده بر خندقهای شکاری دشمن سوق نمود .

« افراد استحکام ، بصورت از هم دیگر جدا جدا بکمال دلاوری و مهارت سنگها و عارضه های زمین بقله ها را اسپر کرده کرده تا بخندق پیش روی نخستین خود را رسانیدند ، و دفعته از کنارهای خندق کله های دستی خود را بر افراد خندق پرتاب نمودند . این ادوات سهمناک نارینه ، بیک اعصاب منده شده خنجر به دره میان عسکرهای دشمن کفیدن گرفت . و از خاک ، و غبار ، و دود ، و بار چه های وجود دایرهای کشیفی ، لایمپراورد .

« روسها ازین هجوم ناگهانی دوچار تلاش عظیمی گردیده خندقهای خود شانرا خالی کردند . و درین اثنا بقدر بیست نفر افراد استحکام ژاپنی بر شبکه ها و دامهای سیمی برآمده در میان آن بکشان یک راهی موفق شدند .

« طوی پجهای ژاپن درین اثنا بر خندق شکاری دوم آتش بسیار شدید کشاده از انسیب روسها هیچ سر خودشان را از خندق بیرون کشیده نمیتوانستند . و سپرها در زیر آتش طوی نار و بار میشدند ، افراد استحکام در زیر حایه طوی پچی خود در آمده سر از نو باجرای حرکت آغاز کرده بودند که درین اثنا دفعته یک

اشغال مخوفی بوقوع آمده بیک ولوله دهشت افزایی کوه را در یک دود بسیار کثیف غرق نمود. مگر روسها بیک نقی نیز در اطراف استحکامهای خود ترتیب داده بودند که درینوقت آن را در زیر پا های افراد عسکر استحکام ژاپان آتش داده اند. بقدره نفر آنها مقتول افتادند. دیگر شان بکار خود مشغول شدند.

«درینوقت مانعه دوم خندقهای شکاری نیز کشاده شده بود، و از آنسبب همه پیاده بهجوم برخاستند. روسها درینوقت بر مهاجمین آتش تفنگهای ماشیندار خود را توجیه دادند، و از ذروه کوه سنگهای بزرگ بزرگی را بر آنها میغلطانیدند برای پیش رفتن پیاده، هنوز بهمت و معاونت عسکر استحکام احتیاج بود. لهذا افراد مذکوره از میان سنگها و بعله ها خزیدند. خزیده بر خندق سوم شکاری پیش شدند، و از زیر بمبهای دستکئی خود شان را در میان خندقهای مذکور پرتاب کردند. در طرف یکسند دقیقه صحنهای روسها پریشان و برهم شده بفرار رو نهادند. پیاده ژاپان ازین فرصت استفاده کرده تا به استحکام ذروه کوه و اصل شدند.

«آتش ژاپانها در میان عسکرهای روس که در سر نشیبی کوه بحال فرار بو دند محزبات عظیمه اجرا میکرد. در هر طرف کشته های لعشها بر روی هم دیگر دیده میشد. ژاپانها سه قطعه طوپ، و بسیاری از افراد عسکر، روس را ضبط و اسیر کردند.

«یک افسر روسی که بدست ژاپانها اسیر شده بود میگفت :

«این چنین موضع مستحکم را بجز غالبهای (پور آرتور) دیگر کسی ضبط

کرده نمیتواند. هیچ شبهه نیست که تول غنجد جنرال (نوژی) در اینجا باشد.»

«جنرال (قورویا تکین) نیز چون بر نتیجه این مخاربه واقف گردید برین یک

قابل شد که تول غنجد جنرال (نوژی) درین نظر دست لهند انظر دقت خود در اسراسر

بطرف جناح چپ عطف نمود. حال آنکه مقصد یگانه جنرال (نوژی) نیز همین بود

صیغه ۲۰۵ آغاز حرب و قایح از ۱۹ فروری تا ۲۶ فروری جلد چهارم

که خصم خود را برین قانع ساخته از جناح راست يك ضربه محکم قطع برو
حواله نماید .

« روسها بعد ازین محاربه در دیگر موضع های مستحکمی که بکمال اعتنا
در پی آن ساخته بودند نیز ثبات ستوانسته ، تابه (دالین) عقب کشیدند . ژاپنها
بعد از پیشین بساعت (۴) به قریه (چنجوچن) در آمدند . قریه در میان علوها
و شعله های آتش مانده بود . »

در (۲۵) فروری این تول غنند زیاد تر پیش رفته با جناح قول راست خود
به (زیت شالین) ، و با قول جناح چپ خود به (دالین) واصل شد . این حرکات
امروزی را يك مخا بر دیگر به اینصورت حکایت میکند :

« درجه حرارت در زیر صفر به (۲۲) درجه سانتیگراد فرو آمده بود
برف بسیار کثیفی میبارید . حرکت پیش روئی ژاپنها در میان سکوت و
سکوات عمیقی اجرا کرده میشد .

« بوقت طلوع فجر ، موضعی دشمن که دو (دالین) بود بیدار گردید .
از طرف ژاپنها نیز ترتیبات هجوم حاضر شد . روسها در نجایز موضعی خود
را بر تپه های سنگلاخ سختی گرفته بودند . ژاپنها بظاهر احوال این موضعیها
دیده ضبط و تسخیر آنرا آسان شمردند . بوقت پیشین هجوم بر خاستند .
اما مشکلات غیر منتظری دوچار شدند . زیرا بر تپه که بسیار بد بجزردیکه بر زمین
منجمد شده می افتاد هاندم الحجاد کرده رفتار ژاپنها بران خیلی متعسر و
دشوار مینمود . مجروحین و مقتولین از بقیه هائیکه هجوم میبردند با قهر وادی
غاطان غلطان می افتادند . بعد از کمی يك باد بسیار تند و شدیدتی بوزیدن
آمده بر قهارا کرد باد آسایه اطراف افشاندن گرفت . حال و موقع بدرجه
رسید که تحمل قابل نبود . شب بسیار برف دیگر باریده سردی هوا نیز خیلی

افزونی گرفت . بسیاری از افراد انجمنی کردند ، و اکثر مجروحین و قاتل می یافتند .

« در تاریکی شب ژاپانها فرصت ظلمت را غنیمت دانسته باز هجوم خود شانرا تجدید کردند . اما بسبب کرده و دمه برف راه خودشانرا غلط کرده به بسی مشکلات گرفتار آمدند ، وبالطبع . ای روز بانتظار کشیدن مجبور شدند ، اما با وجود آنهم دو قطعه ژاپان به بری احاطه کردن ، موضع دشمن را از جهت شرق و شمال شرق سوق شده بود از تاریکی شب استفاده کرده به ایفای وظیفه خود موفق شدند .

« روسها بوقت صبح چون دیدند که از پشت در زیر تهدید ژاپانها مانده اند ، و وضعیای خودشانرا ترک کرده بسوی شمال عقب کشیدند ، و اردو کاملوی غنیمتزرک خودشانرا که در آن جوار برپا کرده بودند آتش زدند ، و بعد از آن تابه (ماچو نطان) رجعت کرده در اینجا باقم ای احتیاطیه که از (قوشون) رسید یکجا شده ، به تعرض ژاپانها مقاومت کردند .

حالا نقطه دیگر میدان محاربه انظار دقت مارا دعوت میکند . آتش جنگ و قتل از راست آغاز کرده سوراخ بسوی چپ توسع و انتشار مینماید . در طرف کم مدتی می بینیم که همه صحنه محاربه از کوههای شرقی گرفته تابه وادی (لیاخو) که در اقصای غربت در یک سیلابه آتش و لوله اندازدهشقی خرق و استیلا شده است .

تول غنند (۱) م روس درینروزها میدید که قطعات دشمن بطرف جناح چپ شان پیش می آمد . در (۲۱) قبروری لوی غنند (۲) وم (قوروکی) بسوی شرق سوراخست برفتار آغاز نهاده در (۲۳) وم قبروری قسم کلی آن به (وینوتین) ، و قطعات پیش آن به (سیانچاجی) و (لیدیا واپان) واصل

شده بود . روز ديگر اين لوي غند بر رفتار شياك شرق خود يکسر دوام ورزیده غبرك غند (۱۵) هم آن بجوار (يوقاخزان) . و غبرك غند (۳) وم آن تابه (چاهوا نچاي) آمده بود . باين خبرها که بقرار گه روس رسيد يك خبر غلط ديگري نيز رسيد که اهم عبارت از اين بود که احتياط تول غند زاپان که در (يانتهای) بود يکسر بسوي شرق ب حرکت آقا نهاده است .

ازين خبر غلط جنرال (قوروياتکين) به اين گمان افتاد که زاپان جناح چپ شان به تعرض قرار داده است . لهذا بوقت شام تعرض تول غند (۲) وم خود را تا خير داده ، قول تول غند (۱) م سيبريار انيز بسوي (شيهي جون) فرستاد که لوي غند (۷۲) وم قول تول غند سيبريار نيز در (۲۵) م فيروري انهار اتعقيت مينمود .

قوماندانتي همه جناح شرق به جنرال (لينه ويچ) توديع کرده شده جنرال (ره نتقامف) که يك کمي پيشتر ازين به قوماندانتي مقررات غرب تعيين شده بود باز مقررات شرق فرستاده شد .

در (۲۵) م فيروري لوي غند (۲) وم تول غند نخستين ژاپان سر است بسوي منتهای جناح چپ روسها که در جوار (ستوراي) تخمين ميشد با دو قول منتظم به پيش روی آفاز نهاد . اما به اينچنين اراضی سنگلاخ سخت خيلي کم مسافت قطع توانسته بودند .

لوي غند (۱۲) هم تول غند نخستين در طرف چپ لوي غند (۲) وم مانور و تعرض را اجرا مينمود . اين لوي غند غبرك غند (۲۳) وم خود را در موضع مستحکمة (بيانيو پوزا) گذاشته با غبرك غند (۱۲) هم خود ساحل نهر (چانهيزاي) را استيلا کرده ، و غبرك غند احتياط خود را به (تا به کو) پيش برده بوده غبرك غند (۲) وم لوي غند خاصه تول غند نخستين

در شب (۲۵) م فیروزی تعرض روسها را که از جنوب (بازیتون) به قوع آمد دفع نمود. غبرک غند (۱) م خاصه نیز در همان شب يك موضع پیش روسها را که در جوار (فیندیپو) بود ضبط نمودند.

حرکات ابتدائیه تول غند (قوروکی) را مخبر ایتالیایی ووسیو (بار زینی) به اینصورت تفصیل میدهد:

ه وقت شام (۲۴) م فیروزی لوی غند جنرال (قوروکی) که از (۴) ماه به اینطرف در موضع های خود آرام گزین استراحت بودند برآمده بحرکت آغاز نمود. شب خیلی سرد، و تاریک ولی هوا ساکن و آرام بود. برای انشا کردن سپرها در انشای مخاربه، در پشتهای عسکرها توره های با خاک پر شده موجود بود.

ه از نتیجه تجربه هائیکه در هجومهای شب برای ژاپانها حاصل شده بود این يك را دیده بودند که دشمن در خانه عووه سگها از وقوع هجوم ژاپانها تنبیه و بیدار شده اند. این مسئله سگها از طرف ارکان حریره تول غند ژاپان بکمال جدیت در زیر نظر مطالعه گرفته شده به تمام ده ها و قریه های همجوار اعلاز و تنبیهات اکیده اجرا نمودند که یا سگهای خود را در خانه ها حبس کرده گذاریدند و آوازشان برآید، و یا آنکه سگهای خودشانرا تلف نمایند و گرنه مجازات بسیار شدیده گرفتار خواهند شد. پس بنا برین اخطار و تنبیهات اکیده جلوگیری عووه کلاب بر طرف گردید.

ه در انشای پیش روی یکچند نفر عسکر از دانشهای شبیه های، بلند در میان واد به غلطیدند. برای سختی و دشواری این راه همین يك کفایت میکند که بگوئیم در تمام دنیا ازین اراضی سخت تر و وحشیت تر هیچ مملکتی نخواهد بود.

ه مجرای نهر (شاحو) قسماً در مابین تول غند (قوروکی) و روسها